

هنر داستان‌نویسی

گزیده‌ای از گفت‌وگو با نویسندگان در پاریس ریویو

ترجمهٔ حسن کامشاد



نشرنی

ارنست همینگوی

ارنست همینگوی (۱۸۹۹-۱۹۶۱) از راه روزنامه‌نگاری برای گذران زندگی شروع به نوشتن کرد. پس از جنگ جهانی اول در اروپا سکونت گزید و در ۱۹۵۴ جایزه نوبل ادبیات را برد. همینگوی در حومه شیکاگو به دنیا آمد و به صورت مهاجر در پاریس می‌زیست. نخستین اثرش که چاپ شد، در زمان ما (۱۹۲۵)، مجموعه‌ای نوشته و داستان کوتاه بود. زمان نخست او خورشید باز هم می‌دمد (۱۹۲۶) و سپس وداع با اسلحه (۱۹۲۹) به شهرتش رساند و صدای نیرومند جدیدی را در ادبیات امریکا نوید داد. آثار غیرداستانی همینگوی، از جمله مرگ در بعد از ظهر (۱۹۳۲)، تپه‌های سبز افریقا (۱۹۳۵) و عید متحرک (۱۹۶۴)، سرگذشت زندگی پرماجرای نویسنده است در صحنه‌های نبرد و میدان‌های گاو‌بازی اروپا تا شکارگاه‌های افریقا و ماهی‌گیری در آب‌های کارائیب. آخرین زمان کامل او پیرمرد و دریا در ۱۹۵۲ منتشر شد.

عیش در آمد

ارنست همینگوی در اتاق خواب خانه خود در محله سانفرانسیسکو در پولا در حاشیه شهر هاوانا چیز می‌نویسد. اتاق کار ویژه‌ای در برج چهرگوشی در جنوب غربی خانه برای او ساخته‌اند، ولی ترجیح می‌دهد

در اتاق خوابش کار کند، و فقط هنگامی بالای برج می‌رود که «شخصیت‌های داستان» اش او را به آن‌جا کشانند. اتاق خواب در طبقه هم‌کف است و به اتاق پذیرایی خانه راه دارد. در میانی دو اتاق با کتابی قطور، حاوی اسامی و شرح و تفصیل **موتورهای هواپیماهای جهان**، پیوسته باز است. اتاق خواب بزرگ است و آفتاب‌گیر، و پنجره‌های رو به شرق و جنوب روشنایی روز را به درون می‌آورند و بر دیوارهای سفید و کاشی‌های زردرنگ کف می‌تابانند.

اتاق را در دو قفسه نه چندان بلند کتاب که به زاویه قائمه از دیوارهای متقابل امتداد می‌یابند به دو بخش تقسیم کرده‌اند. یک بخش را تخت دو نفره کوتاه و پهناوری کاملاً پوشانده است، کفش‌های راحت و دم‌پایی‌های گل و گشاد، منظم پای تخت چیده شده است، بالا سر انبوهی کتاب هفت تا هفت تا روی دو میز کنار تختی تلنبار است. در بخش دیگر، میز تحریری بزرگ و صاف، هر طرفش یک صندلی، و مقداری کاغذ و اشیاء یادگاری قاتی‌پاتی ولی مرتب بر سطح‌اش دیده می‌شود. آن طرف‌تر، در انتهای اتاق، گنجه‌ای مستور با پوست پلنگ به چشم می‌آید. قفسه‌های سفید رنگ کتاب ردیف ردیف به دیوارهای دیگر چسبیده‌اند و همه آن‌ها سر تا پا لبریز از کتاب و روزنامه‌های **کهنه** و مجله‌های گاو‌بازی و نامه‌هایی که دسته‌دسته با کش لاستیکی به هم پیوسته است.

سطح بالای یکی از این قفسه‌های درهم و برهم کتاب - قفسه کنار پنجره شرقی، در یک متری تخت خواب - «میز کار» همینگوی است، فضایی در حدود یک فوت مربع یک طرفش انباشته از کتاب و طرف دیگر پشته‌ای کاغذ، دست‌نوشته و دفترچه و روی آن‌ها خرمنی روزنامه. در جای باقی مانده در بالای قفسه کتاب یک ماشین‌تحریر، یک رحل چوبی، پنج شش تا مداد، و مشتی وزنه سرب برای نگه داشتن کاغذ، هرگاه باد از پنجره شرقی وزد.

همینگوی به عادت همیشگی اش از آغاز نویسندگی ایستاده چیز

می‌نویسد. جفتی کفش بزرگ راحت و گشاد به پایش روی پوست فکسنی گوزنی می‌ایستد، ماشین تحریر و رحل چوبی در برابر سینه‌اش گشاده است. همینگوی هر کار جدید را با مداد شروع می‌کند، کاغذی به نازکی پوست پیاز بر پهنهٔ رحل می‌گذارد و می‌نویسد. دسته‌ای کاغذ سفید روی یک تخته شاسی سمت چپ ماشین تحریر قرار دارد، کاغذ را صفحه‌صفحه از گیره‌ای فلزی برمی‌گیرد، روی گیره نوشته شده «این‌ها باید پرداخته شود». کاغذ را کج روی رحل می‌نهد، بر آرنج چپش تکیه می‌دهد، کاغذ را با دست می‌گیرد که تکان نخورد، و سرتاسر کاغذ را قلمی می‌کند. دست خط او در طول سالیان بزرگ و بزرگ‌تر، بچگانه‌تر و گرایش به سجاوندی بیش‌تر شده است. حروف بزرگ کم‌تر به کار می‌برد و در آخر جمله به جای نقطه اغلب یک X می‌گذارد، صفحه که به پایان رسید آن را وارونه به گیرهٔ دیگری در سمت راست ماشین تحریر می‌زند. وقتی نوشتن تند و خوب پیش می‌رود، یا وقتی نوشته، دست‌کم برای او، ساده - مثلاً، گفت‌وشنود - است، رحل را کنار می‌زند و ماشین تحریر را پیش می‌کشد.

پیشرفت روزانه نوشته‌اش را روی نمودار بزرگی، بر ساخته از مقوای جعبه‌ها، ترسیم می‌کند - «تا خود را گول نزنم» - نمودار به دیوار تکیه داده و بالای آن کلهٔ آهوئی آویخته است. شمارگان روی نمودار میزان کار روزانه را نشان می‌دهد و در نوسان است، از چهار صد و پنجاه واژه شروع می‌شود و به چهار صد و شصت و دو، پانصد و دوازده، پانصد و هفتاد و پنج، و هزار و دویست و پنجاه می‌رسد. روزهایی که اضافی کار کرده و ارقام بالاتر به دست آمده، برای آن است که روز بعدش برنامهٔ صید ماهی در «گلف استریم» داشته است و می‌خواسته احساس گناه نکند.

همینگوی بندهٔ عادت است، از این‌رو از میز کاملاً مناسبی در بخش دیگر اتاق، که جای بیش‌تری برای نوشتن دارد، استفاده نمی‌کند. این میز هم پُر است از دسته‌دسته‌نامه؛ یک شیرکاه‌اندود اسباب‌بازی، از آن‌هایی